

## درفش کاویان اسلام آباد جون 1987

در قیام کاوہ اگر شوری آتشین بود چه باک  
شوری پر شراری دربزم جهان خواهیم انداخت  
بعد اینکه در آغوش کشد مام میهن آزادی  
هر بیرق خویش را درفش کاویان خواهیم ساخت

تا ز پنجه استبداد رهانیم دامان میهن  
خنجر نوش آفرینی در کار ماست  
بهر کشتن (ضحاک و اژدهایی) او  
سر پنجه فرخ آهنینی در کار ماست

تا نخورد سر بهرام ها به شمشیر داغ  
نگردد در مغز قباد ها هیچ نیرنگی  
تا ندهد بر باد حاصل عمری خویش کاوہ  
جنبش حق را نباشد شوری و آهنگی

آری درفش کاویان را چراغان خواهیم نمود  
با تدبیر های صدها رزم آوران جوان خویش  
دیگر نباشد شوری ز استعمار و استثمارز آنکه  
داریم چو مجیدوبهمن و دادگرورزبان خویش \*

شعر سوماخنجر نوش آفرینی است  
تا خلد به قلب تزاریان تشنه بخون  
اشک وی چو فرو ریزد ز چشمش  
بشوید لوٹ ناپاکان (سیا) ز جیحون

آری شعر چو شمشیری گداخته ای  
دژ استبداد فرو خواهد ریخت  
چو چادری بخون اخته وجیه و ناهید  
زدرفش کاویان خواهد آویخت

\*

بجای شیر دل و جوان اسمی از قهرمانان واقعی مردم آورده ام  
سوما کاویانی